بهترین آثار داستانی ۲۰۲۰ به انتخاب تایم

از برنده بوکر ۲۰۲۰ تا هیلاری منتل

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: هر ساله و با نزدیک شدن به پایان سال میلادی مجلات و روزنامه‌های مختلف خارجی فهرستی از بهترین آثار داستانی، غیرداستانی، و ادبیات کودک چاپ‌شده در آن سال را معرفی می‌کنند. در این مطلب نگاه کوتاهی به بهترین‌های مجله تایم در حوزه کتب داستانی خواهیم داشت.

به گزارش تایم، رمان خواندن در سال ۲۰۲۰ راهی برای مقاومت و جلوگیری از توجه به فجایعی بود که در اطرافمان رخ داد. بهترین آثار داستانی سال هم مسیری برای درک بهتر و همچنین گریزی بامعنا فراهم کردند. از قدم زدن در سالن‌های دوره تئودور در انگلیس در کتاب «آینه و چراغ» گرفته تا عمارت بزرگ در «انجیل کودکان» و داستان معمایی ژاپنی «جایی که خانم‌های وحشی هستند» به خوانندگان کمک کردند حواس خود را از موضوعات سخت جامعه چون پاندمیک دور کنند، راحت‌تر مقاومت کنند، و چالش‌هایی را به خواننده نشان دادند که سبب شد سختی‌های شخصی زندگی‌شان قابل‌تحمل‌تر به نظر بیاید.

بهترین آثار داستانی ۲۰۲۰ از نگاه مجله تایم به شرح زیر است:

«جایی که خانم‌های وحشی هستند» نوشته آئوکو ماتسودا

نویسنده ژاپنی از طریق حوادث ماورالطبیعه خوانندگان را راهنمایی می‌کند و با شخصیت‌هایی آشنایشان می‌کند که به نظر خواننده عادی جلوه می‌کنند. همین موضوع این مجموعه داستان را خاص می‌کند زیرا این داستان‌ها در واقع داستان‌های قدیمی مربوط به جِن و روح در ژاپن است که حالا برای مخاطبان معاصر بازنویسی شده است.

«شماس کینگ کونگ» نوشته جیمز مک‌براید

سپتامبر سال ۱۹۶۹ است که شماس یک کلیسا به قاچاقچی مواد مخدری شلیک می‌کند و او را به قتل می‌رساند. همه از جمله خود شماس از این اتفاق شوکه شده و دلیل آن را نمی‌فهمند. در نهایت مک‌براید، برنده جایزه کتاب ملی آمریکا در صفحات آخر خواننده را با صحنه‌های عجیبی از گذشته روبه‌رو می‌کند و از راز داستان پرده برمی‌دارد.

«یک آتش‌سوزی» نوشته مگا مایومدار

وقتی جیوان، زنی مسلمان، که در اطراف کلکته زندگی می‌کند، شاهد حمله تروریستی می‌شود در فیسبوک کامنتی در انتقاد از دولت می‌نویسد که نسبت به این حمله تروریستی بی‌تفاوت رفتار کرده است. کامنتی که عواقبی برای جیوان دارد و به عنوان همکار تروریست‌ها دستگیر می‌شود.

«یک گرگ را کنار گوشم نگه می‌دارم» نوشته لورا وَن دِن بِرگ

یازده داستان کوتاه در این مجموعه شامل شخصیت‌های زنی است که در شرایط سخت و عجیب برای بقا تقلا می‌کنند. شخصیت‌های این داستان‌ها هر کدام به نحوی در زندگی شکست خورده‌اند و با هم روایتی به هم گره خورده را تشکیل می‌دهند.

«مرثیه‌های وطن» نوشته ایاد اختر

هر از چندگاهی با چنین داستانی روبه‌رو می‌شویم که بسیار هوشمندانه است. ایاد اختر برنده پولیتزر ما را با شخصیتی هم‌نام خود آشنا می‌کند که در دهه ۱۹۹۰ میلادی مهاجری پاکستانی در آمریکا است. پدر این شخصیت خیالی که دقیقا شرایط خود نویسنده را دارد پزشک و در حال درمان بیماری قلبی دونالد ترامپ است. «مرثیه‌های وطن» در میان نامزدهای نشان کارنگی در سال جاری هم بود.

«انجیل کودکان» نوشته لیدیا میلت

در یک تعطیلات چند خانواده در خانه‌ای تابستانی در کنار دریاچه زمان خوبی را سپری می‌کنند. والدین اهمیتی به امور فرزندانشان نمی‌دهند. وقتی طوفانی بزرگ از راه می‌رسد و فرزندان در شهر هستند والدین اهمیتی به این موضوع نمی‌دهند و ترجیح می‌دهند وقت خود را در خانه و به نوشیدن الکل سپری کنند. لیدیا میلت یک بار در میان نامزدهای پولیتزر هم قرار گرفته است.

«آینه و چراغ» نوشته هیلاری منتل

اولین کتاب از این مجموعه درباره آمدن توماس کرامول به قدرت و اعدام توماس مور است و در سال ۲۰۰۹ منتشر شد و جایزه بوکر را هم برای نویسنده به ارمغان آورد. در سال ۲۰۱۲ دومین کتاب از این مجموعه تحت عنوان «اجساد را بیاورید» منتشر شد و دوباره جایزه بوکر را به دست آورد. داستانی که چگونگی سقوط آن بولین، همسر دوم هنری هشتم را به تصویر می‌کشد. «آینه و چراغ» پس از اعدام آن بولین رخ می‌دهد که دشمنان توماس کرامول دور هم جمع می‌شوند. انتظار می‌رفت منتل با این کتاب برای سومین بار برنده بوکر شود اما حتی در فهرست نهایی نامزدهای بوکر هم قرار نگرفت.

«شاگی بین» نوشته داگلاس استوارت

این کتاب جایزه معتبر بوکر را برای نویسنده به ارمغان آورد. استوارت در اولین رمانش قصه خانواده‌ای از گلاسکو را در دهه ۱۹۸۰ میلادی را روایت می‌کند. نویسنده داستان پسرکی به نام شاگی و مادرش را در طول چند سال نشان می‌دهد و تلاش می‌کند مفهوم هویت، اعتیاد، و رهایی را بار دیگر توصیف کند.

«نیمه ناپدیدشده» نوشته بریت بنت

زندگی دوقلوهای رنگین‌پوستی که در شانزده سالگی تصمیم می‌گیرند جامعه کوچک مردم سیاه‌پوست را ترک کنند و زندگی جدیدی برای خود بسازند. کمی بعد که با مشکلات جدیدی روبه‌رو می‌شوند یکی از دوقلوها به خانه می‌گردد و دیگری هویت جدیدی برای خود به عنوان یک رنگین‌پوست می‌سازد. با در نظر گرفتن موضوع هویت، که در حال حاضر مهم‌ترین مهم‌ترین موضوع در حوزه ادبیات است، می‌توان «نیمه ناپدیدشده» را کتاب سال ۲۰۲۰ دانست.

مطبوعات استان همدان تاریخی شدند

سپهرغرب، گروه سلامت – عطیه صفی‌زاده: کتاب تاریخ مطبوعات استان همدان اثری است به کوشش مجید فروتن نویسنده و پژوهشگر همدانی که به موضوع تاریخ مطبوعات استان همدان از دوران مشروطه تاکنون پرداخته است.

امروز مطبوعات در زمینه مسایل تحلیلی، سرعت در اطلاع‌رسانی، حرکت و پیش‌بینی برخی از وقایع و رویدادها و ارائه آگاهی‌های لازم به جامعه برای بالا بردن حساسیت مردم نسبت به واقعیت اجتماعی نقش بسزایی دارند.

از سنگ‌نوشته‌ها و جنگ‌نامه‌های سلاطین هخامنشی، ساسانی و سلسله‌های پادشان قدیم که پیروزی‌ها و وقایع مهم را بر آن‌ها حک می‌کردند بگذریم، در آغاز سده پنجم هجری به روزگار سلطان محمود غزنوی در غزنین روزنامه‌ای به نام روزنامه «ایام» و یا برخی از جراید به همین نام در عراق و شام و به روزگار نظامی گنجوی و پیش او در شهر گنجه و جاه‌های دیگر جریده ادبی وجود داشته است. همچنین در زمان سزار، روزنامه‌ای به نام «اکتادیورنای» به طور خطی دست‌نوشته و در فرانسه اخبار ادبی «نوول لیترر» شامل افسانه‌ها و قطعه‌های نظم و نثر و قصائد ستایشگران هیئت حاکم روز در دسترس عموم نهاده می‌شد. این روزنامه‌ها در واقع کارنامه شهریار عصر را در بر داشت تا مردم آن‌ها را بخوانند و کارهای انجام یافته را بدانند.

استان همدان دارای گنجینهایی از مطبوعات مختلف از دوران مشروطه تاکنون است واین سابقه درخشان مطبوعاتی برای استان همدان هم مانند گنجی است که باید از آن محافظت و نگهداری شود.

شاید دیگر استان‌های کشورمان از این سابقه درخشان خبری نداشته باشند که این موضوع با چاپ کتاب تاریخ مطبوعات استان همدان به قلم محمد فروتن تا حدودی حل شده است.

در همین راستا تصمیم گرفتیم گفتگویی با مجید فروتن نوسینده و پژوهشگر همدانی داشته باشیم که در ادامه می‌خوانید:

خودتان را معرفی کرده و سابقه علمی وکاری خود را برای مخاطبان ما بیان کنید.

مجید فروتن هستم،دانش آموخته رشته تاریخ و تاکنون موفق شدم در حوزه تاریخ استان کتاب‌هایی هم چون همدان اصل مشروطه،همدان دوره صفویه،همدان در زمان جنگ جهانی اول،پیامدهای جنگ جهانی دوم در همدان و تاریخ مطبوعات همدان را ثبت و به چاپ برسانم.

چرا کتاب خود را در قالب دانشنامه ارائه دادید؟

به دلیل اینکه در این حوزه بحث ساختاری و دایره المعارفی مطرح است برآن شدم بر اساس اطلاعاتی که در این حوزه داشتم این کتاب را به صورت دانشنامه تدوین کنم.

همچنین در این کتاب به بررسی اولین نشریه استان همدان در سال ۱۳۲۴ قمری هم زمان با تاریخ مشروطه که از آن زمان تاکنون ۱۱۵ سال می‌گذرد پرداخته شده است.

دانشنامه شدن کتاب در پر مخاطب شدن کتاب شما مؤثر بوده است؟

هر کتابی که پر محتوا باشد و اطلاعات غنی و خوبی به مخاطب بدهد قطعاً مخاطب جذب کتاب می‌شود اما دانشنامه‌ها ماندگاری بیشتری نسبت به سایر مکتوبات در تاریخ دارند و می‌توانند مخاطب بیشتری به خود اختصاص دهند.

دانشنامه‌ها چه ویژگی دارند؟

دانشنامه یا دائرةالمعارف، مجموعه یا گردایهٔ نوشتاریِ جامع و فشرده‌ای است که شامل اطلاعاتی دربارهٔ همهٔ شاخه‌ها یا شاخهٔ مشخصی از دانش است و معمولاً دانشنامه مقدمات را بررسی می‌کنند اما معمولاً افرادی که تمایل دارند در قالب ساختاری که می‌خواهند کارهای علمی و اجرایی در آن انجام دهند. اطلاعات تاریخی مورد بحث خود را بررسی کرده و بر مبنای آن اطلاعات کتاب و دانشنامه خود را تدوین می‌کنند.

چرا موضوع مطبوعات استان را برای کار انتخاب کردید؟

از زمانی که من در حوزه مطبوعات استان همدان فعالیت داشتم ۲۵ سال می‌گذرد و همیشه به دنبال آن بوده ام که اطلاعات کامل و جامعی از تاریخ مطبوعات استان همدان برای افراد علاقمند و پژوهشگرانی که در آینده می‌خواهند اطلاعاتی در این خصوص جمع آوری کنند تدوین کنم.

لطفاً نمایی از مطبوعات استان ارائه کنید تا مخاطبان دورنمائی از این موضوع داشته باشند؟

در سال ۱۳۸۴ کتابی به نام راهنمای اصناف همدان را نوشتم که در آن به اکثر نشریات استان همدان اشاره کردم، اما در این کتاب به طور اختصاصی و کاملتر به موضوع مطبوعات و نشریات مجوز دار با سند و مدرک پرداخته شده است.

در این کتاب به سه دوره از نشریات استان همدان شامل دوره قاجاریه که اولین روزنامه همدان چاپ شده است و دوره دوم مربوط به دوره مظفریه تا پهلوی و دوره سوم عصر انقلاب اسلامی ایران پرداخته شده است.

بفرمایید که در هر دوره از دوران بررسی شده چند نشریه وجود داشته است؟

در دوران قاجاریه ۱۶ نشریه،دوران پهلوی ۴۴ نشریه،و از دوران انقلاب اسلامی تاکنون ۱۴۴ نشریه به چاپ رسیده است.

باتوجه به اینکه روش دانشنامه پژوهش محور است روش کار خودتان را برای جمعآوری اطلاعات بفرمائید.

بیشتر از روش کتابخانهایی بهره گرفتهام و پس از آن به بررسی اسناد و مجوزات نشریات پرداختم. سپس به آرشیو و جمعآوری اطلاعات از کتابخانه‌های مرکزی، آستان قدس رضوی وکتابخانه ملی پرداختم.

برای تدوین کتاب از کمک چه کسانی بهره بردید؟

با توجه به اطلاعات کاملی که در این حوزه داشتم قسمت اعظمی از اطلاعات را از دانش و آگاهی خود به دست آوردم و هم چنین از افراد خبره و قدیمی در این حوزه هم بهرهمند شدم که تعدادی از این عزیزان دیگر در قید حیات نیستند و این موضوع ارزش کتاب را دو چندان کرده است.

اکنون که کتاب چاپ شده فکر می‌کنید چه مواردی را برای تکمیلتر شدن باید مدنظر قرار دهید که احتمالاً در چاپهای جدید اعمال شود؟

با توجه به اینکه این هر ساله به تعداد مطبوعات استان همدان اضافه می‌شود و مطبوعات جدیدتری مجوز دریافت می‌کنند لازم است هرساله این کتاب به‌روزرسانی شود ودر نظر دارم علاوه بر تاریخ مکتوب، تاریخ شفاهی که از طریق مصاحبه با پیشکسوتان به دست می‌آید به این کتاب اضافه شود.

سخن پایانی خود را در این حوزه بفرمایید؟

هدف از انتشار این کتاب، گردآوری و تحلیل داده‌های تاریخ مطبوعات همدان است تا آیندگان با دسترسی آسان به این منابع و نوشته‌ها بتوانند پایه‌های تحقیقی و تحلیلی فرهنگ و تاریخ این دیار را بشناسند. همچنین سعی شده با استفاده از اسناد، تاریخ اخذ مجوز و انتشار نشریات ذکر شود.

شایان ذکر است که این کتاب در سه فصل و ۲۵۶ صفحه به تاریخچه چاپ و معرفی مطبوعات استان پرداخته و در قالب دانشنامه استان همدان توسط حوزه هنری به چاپ رسیده است.

فصل اول کتاب «تاریخ مطبوعات استان همدان» به پیشینه مطبوعات کشور و استان و نیز نقش نشریات محلی در توسعه جامعه اختصاص دارد. در فصل دوم تاریخ چاپ در همدان به عنوان زمینه ساز گسترش نشریات بیان شده و در فصل سوم تاریخ مطبوعات استان از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۹۷ در ادوار سه گانه قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی بررسی شده است.

همچنین این کتاب تاکنون در تیراژ یک هزار و ۱۰۰ نسخه به چاپ رسیده است.

پیشنهادهایی برای کتاب‌خوان شدن

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: بیشتر ما از خواندن کتاب لذت می‌بریم اما بعضی‌های‌مان به رغم علاقه‌مان موفق نمی‌شویم برای مطالعه وقت بگذاریم. مطالعه درکنار این‌که می‌تواند ذهن ما را از فکرهای روزمره رها سازد؛ دانش، تمرکز و جهان‌بینی ما را هم افزایش می‌دهد و مهم‌تر از همه این‌که وقتی در جمعی قرار می‌گیریم، حرفی برای گفتن داریم. حالا چطور کتاب‌خوان شویم؟

در این مطلب سعی می‌کنیم به‌صورت مختصر راه‌هایی را برای پیداکردن زمان و به‌طور کلی کتاب‌خوان‌شدن پیشنهاد کنیم.

اهداف دست نیافتنی در نظر نگیرید

اگر خیلی اهل کتاب خواندن نیستید، انتظار بیش‌ازحد از خودتان نداشته باشید. هدف‌های کوتاه و دردسترس تعیین کنید؛ مثلا هر ماه یک کتاب یا روزی ۲۰صفحه مطالعه. اگر مطالعه‌تان در شرایط استرس‌زا نباشد، بسیار دلنشین خواهدبود.

خودتان را مجبور نکنید

مطمئنم تا حالا این اتفاق برای‌تان رخ داده‌است که تا اواسط کتابی می‌خوانید و از خودتان می‌پرسید «چرا من دارم این کتاب رو می‌خونم؟» نگران نباشید، این مورد برای خیلی‌ها پیش می‌آید. به‌جای آن‌که تمام توان خود را صرف مطالعه کتابی کنید که از آن لذت نمی‌برید یا مفید نیست، کتاب دیگری را شروع کنید.

کتاب‌هایی را بخوانید که از آن لذت می‌برید

وقتی کتابی را بخوانید که دوستش دارید، خیلی سخت است آن را زمین بگذارید و کار دیگری انجام دهید. مثلا اگر از کتاب‌های داستانی خوش‌تان می‌آید، درکنار آن‌ها می‌توانید کتابی از زندگی‌نامه بزرگان هم مطالعه کنید تا اطلاعات عمومی‌تان هم افزایش پیدا کند.

همیشه یک کتاب در دسترس داشته باشید

شما همیشه برای مطالعه فرصت دارید. مثل زمانی که منتظر وسیله نقلیه هستید یا در مطب دکتر و مکان‌های مشابه در حال انتظارید. در رفت‌وآمد هم می‌توانید از کتاب‌های صوتی استفاده کنید.

از زمان کارهای کم‌اهمیت کم کنید

مثلاً اگر روزانه به‌جای ۲۰ صفحه مطالعه ساعت‌های طولانی به تماشای تلویزیون، بازی با گوشی و... می‌پردازید، می‌توانید زمان آن را کم و درعوض مطالعه کنید.

در گروه‌ها و چالش‌های کتاب‌خوانی شرکت کنید این روش برای تشویق به مطالعه بسیار خوب است چون حالت تعاملی و سرگرمی دارد. همچنین شما با کتاب‌های جدیدی که دوستان‌تان مطالعه کرده‌اند، آشنا می‌شوید.

محیطی بدون حواس‌پرتی فراهم کنید

برای مطالعه فضایی مشخص درنظر بگیرید؛ جایی‌که صدای تلویزیون و اطرافیان کمتر باشد و اگر از تلفن همراه استفاده می‌کنید، صدای آن را قطع کنید تا حواس‌تان پرت نشود.

پس‌انداز کنید

هرماه مبلغی را برای خرید کتاب کناربگذارید تا بعد از تمام کردن یک کتاب بتوانید کتاب بعدی را برای خرید انتخاب کنید.

از فناوری به‌نفع مطالعه استفاده کنید

درست است که هیچ‌چیز جای ورق زدن کتاب و خواندن نسخه چاپی را نمی‌گیرد اما در مواقعی که همراه داشتن کتاب سخت است، خواندن کتاب‌های الکترونیکی خالی از لطف نیست. می‌توانید کتاب‌های الکترونیکی و صوتی را روی موبایل یا تبلت خود داشته‌باشید و از آن‌ها به‌راحتی استفاده کنید.

فکرتان را تغییر دهید

فکر نکنید کتاب خواندن کار یا فعالیتی است که «باید» آن را انجام دهید؛ خواندن را مثل تنفس و غذاخوردن جزو کارهای روزانه بدانید و نه یک تکلیف.

خاطره

دوست دارم این کتاب را بخوانید

سپهرغرب، گروه کافه کتاب: من یک‌بار دیگر دو، سه سال پیش در یک جلسه‌ی مجموعه‌ای از دوستان هنرمند (سینماگر و نقاش و مجسمه‌ساز و...) این را گفتم، شما به عنوان یک هنرمند، دنبال زیبایی‌ها و ظرافت‌های عالم وجود می‌گردید تا این‌ها را بشناسید، بیرون بکشید، برجسته کنید و نشان بدهید؛ کار هنرمند این است؛ یعنی ظرافت‌ها، زیبایی‌ها، ریزه‌کاری‌ها، دقایق و حقایق غیر قابل دید با چشم غیرمسلحِ به هنر را با سلاح هنر و نگاه هنرمَندانه، بیرون می‌کِشد و نشان می‌دهد. اینکه می‌گویم زیبایی، معنایش این نیست که زشتی‌ها را نمی‌تواند بیرون بکشد و نشان دهد؛ چرا، آن هم جزو ظرافت‌هاست. به آن جمع گفتم، شما به عنوان کسی که دنبال زیبایی‌ها می‌گردید، چطور می‌توانید زیبایی‌های دفاع هشت ساله‌ی یک ملتِ دست خالی را از میهن خودش، از کشورِ خودش، از ملت خودش و از نظام خودش، در آن میدان دشوار نادیده بگیرد.

الان چند سالی است که کتاب‌هایی درباره‌ی سرداران و فرمانده‌هان جنگ باب شده و می‌نویسند و بنده هم مشتری این کتاب‌ها هستم و می‌خوانم. با اینکه بعضی از این‌ها را من خودم از نزدیک می‌شناختم و آنچه را هم که نوشته، روایت‌های صادقانه است «این هم حالا آدم می‌تواند کم و بیش تشخیص دهد که کدام مبالغه‌آمیز است و کدام صادقانه است» بسیار تکان‌دهنده است؛ آدم می‌بیند این شخصیتهای برجسته، حتّی در لباس یک کارگر به میدان جنگ آمده‌اند؛ این اوستا عبدالحسین بُرُنسی، یک جوان مشهدی بنّا، که قبل از انقلاب یک بنّا بود و با بنده هم مرتبط بود، شرح حالش را نوشته‌اند و من توصیه می‌کنم و واقعاً دوست دارم شماها بخوانید.

من می‌ترسم این کتاب‌ها اصلاً دست شماها نرسد. اسم این کتاب «خاک‌های نرم کوشک» است؛ قشنگ هم نوشته شده. ایشان اول جنگ وارد میدان نبرد شده بود و بنده هم هیچ خبری نداشتم. بعد از شهادتش، بعضی از دوستان ما که به مجموعه‌های دانشگاهی و بسیج رفته بودند و با این جوان بی‌سواد (بی‌سواد به معنای مصطلح؛ البته سه، چهار سالی درس طلبگی خوانده بوده، مختصری هم مقدمات و ابتدایی و اینها را هم خوانده بوده) صحبت کرده بودند، می‌گفتند آن‌چنان برای اینها صحبت می‌کرده و حرف می‌زده که دل‌های همه‌ی این‌ها را در مشت می‌گرفته؛ به خاطر همین که گفتم، یک معرفت درونی را، یک ادراک را، یک احساس صادقانه را و یک فهم از عالم وجود را منعکس می‌کرده؛ بعد هم بعد از شجاعت‌های بسیار و حضور در میدان‌های دشوار، به شهادت می‌رسد؛ که حالا کاری به جزئیات آن ندارم. این زیبایی‌هایی که آدم در زندگی یک چنین آدمی یا شهید همت و شهید خرازی می‌تواند پیدا کند و یا این‌هایی که حالا هستند، نظیرش را شما کجا می‌توانید پیدا کنید؟ کجا می‌شود پیدا کرد؟

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارگردانان سینما و تلویزیون ۱۳۸۵/۳/۲۳